

## طی کمتر از یک قرن جنبش خودمختاری طلبی تورکمنها دوبار به خاک و خون کشیده شد!

۱. جنبش خودمختاری طلبی با سمتگیری جمهوری خواهی به رهبری عثمان آخون (۱۹۲۵-۱۹۲۴)

دربحیوبه جنگ جهانی اول هنگامی که در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی جنبشهای آزادیخواهی و مبارزات سوسیال-دموکرات روز به روز گسترش می یافت، انقلابیون تورکمن نیز به طبع از این جنبش در سرزمین خویش برای کسب استقلال در امور داخلی خویش با حاکمان به مبارزه ای جانانه پرداختند. بعداز انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ ایران بین مناطق تحت تأثیر روسیه و انگلستان تقسیم شد و در نتیجه سرزمین تورکمن نیز هم تحت حاکمیت دوگانه ایران و روسیه قرار گرفت. بدین معنی، هم قشون روس هم تفنگچیان حاکم استرآباد و خراسان هر از گاهی سرزمین تورکمنها را مورد چپاول و غارت قرار می دادند.

در بحبوحه جنگ جهانی اول روسها عده زیادی از کارگران ملاقان را از نقاط دور دست روسیه به جلگه گرگان کوچ داده، آنها را در سرزمین پرحاصل و کشتزارهای تورکمنصحرآسکان داده و برای خودشان کولونیهها و روستاهایی را بوجود آوردند. هنگامیکه مردم تورکمن به این عمل تجاوزگرانه روسها اعتراض کرده خواهان اخراج این اشغالگران می شود، به دستور امپراطور روسیه، فرماندار نظامی تورکستان قوای تابه دندان مسلح را بسرکردگی ژنرال **مادریتوف** جهت سرکوبی تورکمنها به گرگان و گنبدقابوس اعزام می شود. این ژنرال جنایتکار روسی انتقام وحشیانه ای از مقاومتگران تورکمن می گیرد. جالب اینجاست که بهنگام جمع آوری مالیات، حکومت تهران به سرشماری تورکمنها پرداخته آنها را جزء رعایای خویش اعلام می کند ولی به هنگام سرکوبی وحشیانه تورکمنها با سکوت معنی دار خویش از این عمل جنایتکارانه روسها حمایت می کند.

در این ایام بود که سران انقلابی تورکمن برای کسب استقلال خویش به مبارزه پرداخته و مأمورین جمع آوری مالیات ایران را از منطقه تحت نفوذ خویش بیرون می کنند. و در نتیجه این مبارزات بود که در ماه مه ۱۹۲۴ / ۳۰ اردیبهشت ۱۳۰۳ در کنگره یاشولی ها در روستای اومچلی جمهوری خودمختار تورکمنستان ایران رسماً اعلان می شود. ولی این بار وزیر جنگ ملقب به سردار سپه یعنی رضاخان از

هر سو به سرزمین تورکمن لشکرکشی کرده جمهوری نوپای تورکمنستان جنوبی پس از یکسال کارنامه درخشان توسط ژنرال زاهدی، سرهنگ جهانبانی و فرمانده لشکر خراسان جان محمد خویش به خاک و خون کشیده می شود و صدها تن از بهترین فرزندان ملت تورکمن قتل عام می شوند. بدین ترتیب جنبش جوان خودمختاری مردمی تورکمنستان جنوبی با سمتگیری ایده های جمهوری خواهی پس از یکسال مقاومت در برابر یورش ارتش رضاخانی موقتا وادار به تسلیم گردید. ولی ایده های آرمان خواهان مردمی به حیات خود ادامه داد. مبارزینی چون **حاجی خان اوغوزی، قربان محمد سیوری و آنالچیج بابایی** برای بهروزی و آزادی ملت تورکمن سالیان درازی در سیاهچال های رژیم به بند کشیده شدند که از میان آنها سیوری در زیر شکنجه توستاق بانان رضاشاه به شهادت رسید.

۲- جنبش خودمختاری طلبی با سمتگیری شورایی (۱۹۸۰-۱۹۷۹)

در سال ۱۳۵۷ هنگامی که در سراسر ایران خروش میلیونی "این شاه آمریکایی اعدام باید گردد" پیچید، بالطبع تورکمنها نیز به این خیزش بزرگ پیوسته، خواهان عدالت، نظامی دموکراتیک و لاینک و مردمی در ایران شده، به اعتصابات و تظاهرات مردمی پیوستند.

در پروسه این جریانات سیاسی به منظور انعکاس خواسته های سیاسی تشکلی به نام "**کانون فرهنگی و سیاسی خلق تورکمن**" و به منظور باز پسگیری زمینهای غصبی و اداره شورایی آن مرکزی به نام "**ستاد مرکزی شوراها تورکمنصحر**" شکل گرفت و بحق سرزمین تورکمنصحر "**سرزمین شوراها**" نام گرفت.

"کانون" در اولین بیانیه ها و اعلامیه های خود "سرزمین مابین دریای خزر تا جرجلان" را سرزمین خودمختار تورکمنصحر اعلام کرد، همچنین این تشکل سیاسی در احیاء آداب و سنن و فرهنگ ملی ملت تورکمن شب و روز فعالیت کرد. در اعلامیه "سربازان و افسران و درجه داران انقلابی خلق تورکمن" خواهان تشکیل ارتش ملی برای دفاع از دستاوردهای مردمی می شود. "ستاد شوراها" به مرکز انقلابی رزمندگان تورکمن مبدل شده و مردم مشکلات خویش را با رجوع به "ستاد" حل و فصل می کردند. تحت رهبری "ستاد" بیش از ۳۰۰ اتحادیه روستایی تشکیل گردید و به دنبال آن "اتحادیه قالیبافان"، "اتحادیه صیادان" و "کانون معلمین"، "کانون مهندسین" و... ایجاد گردید. "کانون هنری و فولکلوریک" وابسته به "کانون" در احیاء سنن دیرینه ملت تورکمن بی وقفه کار و تلاش میکرد. فنودالها و ارباب های مفتخور و نیز رژیم فاناتیک اسلامی ایران که از این همه شور و شغف ملت تورکمن به خشم آمده بودند، نتوانستند این پیروزی ملت ما را تحمل کنند. آنها شب و روز در پی توطئه بودند تا این جنبش مردمی را در نطفه نابود سازند و به همین خاطر با دزدیدن رهبران مردم و ترور ناجوانمردانه آنان در شب ۱۸ بهمن سال ۱۳۵۸ نقشه شوم خویش را عملی ساختند. بدنبال این ترور

وحشیانه تهران با ارسال ارتش تا به دندان مسلح بسرکردگی تیمسار شاهنشاهی بنام فلاحی به سرکوب شدید مبارزین ما را آغاز کرده، با اعزام روحانی پسیکوپات و دیوانه ای بنام خلخالی به اعدام بهترین فرزندان ملت ما دست یازیدند. به این ترتیب جنبش خودمختاری ملت تورکمن با سمتگیری شورایی موقتا سرکوب گردید ولی آتش جرقه های انقلابی و روحیه مبارزه جویانه ملت ما هرگز خاموش نشده و خواهد شد چرا که نمونه اخیر مبارزات مردمی ماهیگیران شهرهای حاشیه خزر نمونه صادق این حرف ما است.

چرا جنبش خودمختاری طلبی ملت تورکمن بازتاب وسیعی نیافت؟

علت این مسئله در عوامل داخلی و خارجی جست.

**الف: علل داخلی-** متأسفانه رهبران جنبش خودمختاری خواهی سالهای ۱۳۰۴/۱۹۲۵ چون **عثمان آخون، اللهیار حان، رجب آخون** و حتی نماینده مجلس آن دوره **آناجان آخون یارالی** راجع به این وقایع چیزی ننوشتند یا اینکه یادداشتهای آنان به دلایلی به دست ما نرسیده است.

نمایندگان نسل اول مهاجرین به کشور جمهوری سوسیالیستی تورکمنستان نظیر **عالم احمد آخوندوف گورگنلی** که در ایام جنبش عثمان آخون جوان تحصیلکرده ای در حدود ۲۰ ساله بود و نیز مهاجرین نسل دوم همچون مرحوم غایب بهلکه، صاپار انصاری، ساری گوکلانی، بایرام محمد مدرسی، آمان محمد اسلامی و رجب رحمانی یا نورمحمد عاشورپور (ایشان هنیز در آشغابات بسر می برند) نیز به بررسی حوادث آن دوره نپرداخته و تحلیلی از وقایع ارائه نکردند. حتی آنان می توانستند مجموعه تلگرام های حاکم نظامی ترکستان به حکومت آشغابات را که در کتاب های متعدد به زبان روسی چاپ شده بود را و نیز کتاب "در جلگه گورگن" که به سال ۱۹۳۱ در داشکنت توسط مورخ مشهور "بریوزکین" چاپ شده بود را جمع آوری کرده، آنرا به زبان تورکمنی ترجمه کنند، ولی این کار نشد. شاید ترس و واهمه از سازمان جهنمی "ک گ ب" در این امر دخیل بوده باشد، این بر ما روشن نیست.

نسل معاصر تورکمن تا همین چند دهه اخیر حتی نامی از جنبش خودمختاری طلبی تورکمنها به رهبری عثمان آخون را نشنیده بودند. تا اینکه اثر تحقیقی پروفیسور تورکمنستانی مرحوم "همت آتایف" به نام "جنبش آزادی بخش تورکمنهای ایران" توسط "حزب توده ایران" در خارج به فارسی ترجمه شده چاپ و منتشر گردید. البته در اوائل انقلاب بهمین/در سال ۱۳۵۸ کتاب "ترکمنهای ایران" بی بی رابعه لوگاشوا اطلاعات مختصری درباره قیام خودمختاری طلبی سالهای ۱۹۲۴ می دهد. شایان ذکر است که ایران شناس مشهور در دانشگاه مسکو به نام ایوانف که کتاب "تاریخ نوین ایران" را نوشته، به این خیزش بزرگ مردم ما تنها چند سطر اختصاص داد.

**ب: علل خارجی-** جنبش چپ ایران وقایع و رویدادهای تاریخی را تحلیل و آنالیز کرده و می کند. طبعا جنبش سوسیال دموکراسی و بعدا حزب توده می توانست و می بایست جریانات خیزش مردمی ملت تورکمن را در سطح وسیعی تبلیغ و ترویج میکرد. همانطوری که از جنبش آذربایجان یا کردستان حمایت شد، ولی به قیام مردمی ملت ما کم بها و ارزش قائل شدند. این امر را امروزه با مطالعه بیانیتهای "سازمان فدایی" که دستی بر آتش در تورکمنصحرا داشت نیز می بینیم، چرا که این گروه سیاسی بعد از شکست تزه های خویش در تورکمنصحرا، به مردم ما پشت کرده، حتی در بزرگداشت یاد شهیدان ما نیز بی تفاوتی از خود نشان می دهند، چه باید گفت، "صلاح مملکت خویش خسروان دانند".

**در نتیجه.** نسل امروزین ملت تورکمن از جریانات مهم و سرنوشت سازی که پدران آنها آفریدند، بی خبر ماند. و این سبب ضایعه ای بزرگ در صفوف مبارزه آزادیبخش ملت ما گردید. نسل جوان مانکفورت شده، از خودبیگانه ای که به علت عدم آگاهی از تاریخ خود، به سیاهی لشکرهای گروههای مختلف سیاسی مبدل شدند و با کمال تأسف این پروسه ادامه دارد.

پراگ. ۱۶ فوریه ۲۰۰۸